

بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ابعاد ناهنجار شخصیت و یادگارخواهی

مینا ریحانی^۱ و رضا عبدی^۲

انحراف جنسی را می‌توان با فقدان دلبستگی یا پیوند عاطفی با سایر انسان‌ها که بر رشد صفات شخصیتی ناهنجار نقش دارد، تبیین نمود. یادگارخواهی یکی از انواع انحرافات جنسی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی ایجاد و تشدید شود. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ابعاد ناهنجار شخصیت و یادگارخواهی بود. برای این منظور، طی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، از جامعه‌ی مردان بالای ۱۸ سال شهر تبریز، ۳۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از نظر دلبستگی و نشانه‌های اختلال شخصیت و سیاهه چند بعدی رشد، جنسیت و پرخاشگری مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نشان داد که دلبستگی دوسوگرا و نیز مخالفت‌ورزی و مهارگیختگی، یادگارخواهی را به طور معنادار و مثبت پیش‌بینی می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل مسیر نشان داد که سبک دلبستگی دوسوگرا نقش میانجیگری را بین ابعاد ناهنجار شخصیت با یادگارخواهی ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد، سبک دلبستگی دوسوگرا که ریشه در تجربیات دوران کودکی و رابطه ناپایدار و ناهنجار فرد با مراقبان اولیه دارد، می‌تواند رابطه‌ی بین ابعاد ناهنجار شخصیت که تحت تأثیر عوامل زیادی شکل گرفته و اختلال یادگارخواهی که نوعی انحراف جنسی است را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: دلبستگی؛ ابعاد ناهنجار شخصیت؛ یادگارخواهی

مقدمه

انحرافات جنسی یا پارافیلیا، اختلالاتی هستند که در آنها، منبع برانگیختگی جنسی فرد ماهیتی نامعمول و نامتعارف دارد (واست، نیگل، لاتزمن و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از این انحرافات جنسی فetišسیم یا یادگارخواهی نام دارد که در آن فرد برای برانگیختگی جنسی از یک شی غیر زنده استفاده می‌کند و یا تمرکز بسیار خاص بر قسمت‌های غیر تناسلی بدن دارد که به مدت حداقل ۶ ماه ادامه می‌یابد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). عوامل زیادی هستند که می‌توانند بر ایجاد رفتار جنسی ناهنجار افراد اثر بگذارند و این عوامل دامنه‌ای از عوامل زیستی، عوامل بین فردی و روانشناختی را در بردارند (بارتلز و

روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز: ایران.

روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز: ایران. (نویسنده مسئول) r.abdi@Azaruniv.ac.ir

گانون، ۲۰۱۱؛ وودورت، فریموت، هاتون و همکاران، ۲۰۱۳). برخی شواهد اخیر حاکی از آن است که شخصیت ناهنجار می‌تواند یک همبسته مهم انحرافات جنسی باشد (واست، و همکاران، ۲۰۱۹؛ بارتلز و همکاران، ۲۰۱۱). برای مثال برخی صفات شخصیتی ناهنجار مانند همدلی و کنترل تکانه ضعیف از نشانه‌های برجسته مجرمین جنسی تلقی می‌شوند (وودورت و همکاران، ۲۰۱۳). به علاوه، صفات شخصیتی خودشیفته و ضد اجتماعی با خشونت جنسی در بین دانشجویان ارتباط دارد و در بین متجاوزان جنسی شایع هستند (مویلسو، کالهن، ۲۰۱۲).

لودی اسمیت، شپارد و واگنر (۲۰۱۴) براساس تحقیقات خود مطرح کردند که رفتارهای جنسی ناهنجار با شخصیت ناهنجار ضداجتماعی قابل پیش‌بینی است. در ساختار سلسله‌مراتبی صفات شخصیتی بر اساس پنجمین نسخه از راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی (DSM-5)، ۵ صفت شخصیتی ناهنجار مرتبه بالا شناسایی شدند که زیرساز اختلالات شخصیت هستند و عبارتند از هیجان‌پذیری منفی (شامل بی‌لذتی، مضطرب بودن، افسردگی‌پذیری، حواس‌پرتی، ناپایداری هیجانی، نامنی در جدایی و سلطه‌پذیری)، گسلس (شامل گریز از صمیمیت، عاطفه‌پذیری محدود، انزوا و شکاکیت)، مخالفت‌ورزی (شامل توجه‌جویی، فریب‌کاری، دغل‌کاری، خصومت، خودبزرگ‌بینی و سنگدلی)، مهارگسیختگی (تکانش‌گری، درجاذدگی، کمال‌طلبی نامعطف، مسوولیت‌ناپذیری و خطرپذیری) و روان‌پیش‌گرایی (باورها و تجارب نامعمول و غرابت و کژتنظیمی ادراکی) (کروگر، درینگر، مارکون و همکاران، ۲۰۱۲).

پایه و اساس نظری برای ارتباط کارکردی بین ویژگی‌های ناهنجار شخصیتی و انحرافات جنسی به اوایل سال‌های ۱۹۹۰ بر می‌گردد (پورسل و آریگو، ۲۰۰۶). که نقش عوامل مربوط به دلبستگی مطرح شد. ملوی (۱۹۹۲) و استون (۱۹۹۸) اولین افرادی بودند که اعلام کردند که انحراف جنسی را می‌توان با فقدان دلبستگی یا پیوند عاطفی با سایر انسان‌ها که بر رشد صفات شخصیتی ناهنجار نقش دارد، تبیین نمود. بر اساس نظریه دلبستگی، روابط افراد در دوران بزرگسالی تحت تأثیر روابط دلبستگی در دوران کودکی آنها با مادر (مراقب) یعنی چهره دلبستگی است. در نتیجه روابط کودک-والد سه سبک دلبستگی شکل می‌گیرد که روابط فرد را در بزرگسالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این سه سبک عبارتند از سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا (باولبی، ۱۹۶۹).

افراد با دلبستگی ایمن به علت داشتن والدینی پاسخگو و حساس به وضعیت‌های هیجانی در دوران کودکی، یاد گرفته‌اند که چگونه عواطفشان را تنظیم کنند و با دیگران ارتباط برقرار نمایند. در افراد با سبک اجتنابی، مراقب به طور پیوسته فرد را از خود می‌راند و خود نیز نایمن است، در تصدیق

موقعیت و جستجوی کمک و حمایت با مشکل مواجهه می‌شود. افراد با دلبستگی اجتنابی با رضایت و صمیمیت کمتر و تعارضات بیشتر مشخص می‌شوند در سبک اضطرابی فرد مراقب خود را به عنوان یک پاسخگوی بی‌ثبات و خود را به عنوان فردی وابسته و بی‌ارزش تجربه می‌کند و افراد با دلبستگی دوسوگرا با عدم تعادل در احساسات و تعارضات بالاتر مشخص می‌شوند (استین، کراسکی، لهتونن و همکاران، ۲۰۱۲). ملوی (۱۹۹۲) مطرح کرد که مسیر ارتباطی بین ناهنجاری شخصیت با انحراف جنسی را می‌توان عدم دریافت امنیت از چهره‌های دلبستگی و یا مورد خشونت واقع شدن از سوی این چهره‌ها دانست که منجر به ایجاد صفاتی نظیر همدلی پایین، ظالم بودن در روابط بین فردی و تکانشگری دانست (کوک، هارت، لوگان و همکاران، ۲۰۱۲).

نقش نقایص دلبستگی در ارتباط بین هم صفات شخصیتی و هم انحراف جنسی برخی حمایت‌های تجربی دریافت کرده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی اجتنابی با صفات ناهنجار عاطفی- بین فردی که شامل همدلی پایین، اضطراب پایین و عاطفه سطحی است و سبک دوسوگرا با صفات ناهنجار ضد اجتماعی که شامل تکانشی بون، فقدان مسئولیت‌پذیری می‌باشد، ارتباط دارد (شیمنتیتی، پاسانیسی، پاچ و همکاران، ۲۰۱۴؛ شیمنتیتی، پاسانیسی، کارت، ۲۰۱۴). از سوی دیگر برخی تحقیقات نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی نایمن پیش‌بینی کننده انحرافات جنسی هستند (وندروپوتین، ۲۰۱۷؛ ساول و کایر-کاول، ۲۰۰۱).

با وجودیکه برخی پژوهش‌ها ارتباط بین نقایص دلبستگی را با انحرافات جنسی و نقایص شخصیتی نشان داده‌اند، ارتباط پیچیده این سه متغیر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین ارتباط سبک‌های دلبستگی و صفات ناهنجار شخصیتی در انواع خاصی از انحرافات جنسی از جمله یادگارخواهی که مورد توجه این پژوهش است، کمتر مورد نظر بوده است. رستگار فرج‌زاده و محمدیان (۲۰۱۹) بر اساس پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا همراه با صفات شخصیتی، روان‌رنجوری و تجربه‌گرایی می‌تواند منجر به انحرافات جنسی از قبیل یادگارخواهی گردند. شایان ذکر است که این پژوهش بر صفات شخصیتی ناهنجار متمرکز نبوده و تمام ابعاد شخصیتی را مورد بررسی قرار داده است.

در انحرافات جنسی، شناخت همبسته‌های علائق جنسی غیرمعمول می‌تواند بیش مهمی را به سمت دلایل احتمالی فراهم آورد (جوئال، کوسیتی، لاپیر، ۲۰۱۵) و برای انجام مداخلات پیشگیرانه و درمانی حیاتی است (واست و همکاران، ۲۰۱۹). از سوی دیگر تحقیقات اندکی به بررسی رابطه صفات و ناهنجاری‌های شخصیتی و علائق ناهنجار خاص از جمله یادگارخواهی و عوامل واسطه‌گر

نظیر سبک‌های دلبستگی که پیشتر به عنوان عاملی مهم در ابتلا به انواع انحرافات جنسی و صفات شخصیتی ناهنجار مطرح شد پرداخته‌اند (واست و همکاران، ۲۰۱۹؛ اسکوران، هوس، اسکالورا، ۲۰۱۰). بنابراین، نیاز به انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ابعاد ناهنجار شخصیت و یادگار خواهی است.

روش

پژوهش حاضر، از نوع توصیفی و همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، مردان بالای ۱۸ سال شهر تبریز بودند. از بین این جامعه، ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد و بعد از توجیه پژوهش و اخذ رضایت خود با پرسشنامه‌های مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)^۱، فرم کوتاه پرسشنامه شخصیت نسخه پنجم راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی (PID-5)^۲، و سیاهه‌ی چندبعدی رشد، جنسیت و پرخاشگری (MDSA)^۳ مورد ارزیابی قرار گرفتند.

مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI) با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، ساخته و در مورد نمونه‌های دانشجویی و جمعیت عمومی ایرانی هنجاریابی شده است. این مقیاس یک آزمون ۱۵ سوالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیر مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. اعتبار و پایایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف مورد تایید قرار گرفته است (بشارت، ۲۰۱۳).

فرم کوتاه پرسشنامه شخصیت نسخه پنجم راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی (PID-5) در سال ۲۰۱۲ توسط گروگر، درینگر، مارکون و همکاران طراحی شده است. این پرسشنامه با ۲۵ سوال، پنج خرده‌مقیاس عواطف منفی-روان‌پریشی‌خوبی، گسلس، مخالفت‌ورزی و مهارگسیختگی را مورد سنجش قرار می‌دهد. ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار، در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه، ضریب همسانی درونی کل این آزمون ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس‌های آن، بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ گزارش شده است. ساختار پنج عاملی این ابزار نیز، به وسیله تحلیل عاملی تایید شده است (عبدی، چلیانلو، جوربانیان، ۲۰۱۷).

سیاهه چندبعدی رشد، جنسیت و پرخاشگری (MDSA) یک پرسشنامه خودگزارشی کامپیوتری است که برای حمایت از مداخلات درمانی مجرمان جنسی نوجوان و بزرگسال توسط جمع بسیاری از

1. Adult Attachment Inventory

2. DSM-5-Brief form

3. Multidimensional Inventory of Development, Sex, and Aggression

نویسندگان ساخته شده است. بخش مربوط به مقیاس فانتزی‌ها، نگرش و رفتار جنسی دربرگیرنده موضوعاتی چون مقیاس ناپایداری و ضعف جنسی، رشد میل جنسی، آزارگری جنسی، پرخاشگری بیانگرانه سکس مقعدی، سکسنرالیزیشن (sexualization)، روان‌پریشی و مردانگی بیش از حد، خشم فراگیر، برنامه‌ریزی جرم و پارافیلیا است. مقیاس پارافیلیا خود شامل چندین زیرمقیاس به عنوان، تلاشگری جنسی، نمایشگری جنسی، مبدل پوشی، هرزه‌گویی جنسی و یادگارخواهی است که بسته به عنوان تحقیق ما فقط از زیرمقیاس یادگارخواهی استفاده کردیم. این زیرمقیاس شامل ۳ مورد می‌باشد. پاسخ‌دهندگان که نمره بالا در این مقیاس را گزارش می‌دهند، توسط بخش‌های غیرجنسی بدن زنان مانند پاها یا مو و توسط بوئیدن یا لمس زنان برانگیخته می‌شوند. این خرده‌مقیاس شامل ۳ سوال است و پاسخ مثبت به آن‌ها به معنی وجود فانتزی، نگرش و رفتار جنسی بر یادگارخواهی در فرد می‌باشد (باگمن، جانسون، وسلکا و همکاران، ۲۰۱۴).

به منظور بررسی روابط بین متغیرها از روش همبستگی پیرسون، همچنین جهت تعیین نقش ابعاد نابهنجار شخصیت و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی یادگارخواهی از تحلیل رگرسیون چندمتغیره و نهایتاً به منظور بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ابعاد نابهنجار شخصیت و یادگیری خواهی از تحلیل مسیر استفاده به عمل آمد. داده‌های گردآوری شده به وسیله نسخه ۲۱ نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مولفه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	sd	M	
							۱	۲/۹۸	۵/۶۰	عاطفه منفی
						۱	۰/۳۰۸	۳/۳۰	۵/۰۴	گسلش
					۱	۰/۳۵۷	۰/۴۳۶	۳/۰۶	۴/۸۱	مخالفت‌ورزی
				۱	۰/۳۷۵	۰/۳۰۱	۰/۴۲۵	۳/۱۸	۴/۹۸	مهارت‌گسیختگی
			۱	۰/۴۴۹	۰/۴۶۰	۰/۴۳۸	۰/۴۴۸	۳/۱۱	۵/۶۱	روان پریشی خوبی
		۱	-۰/۱۵۴	-۰/۱۹۸	-۰/۲۲۸	-۰/۱۴۹	-۰/۱۱۸	۰/۹۷	۵/۳۴	یادگارخواهی
	۱	۰/۰۹۷	۰/۴۱۶	۰/۲۵۸	۰/۳۰۱	۰/۵۶۱	۰/۳۲۷	۴/۱۲	۱۳/۶۲	دلبستگی اجتنابی
۱	-۰/۳۲۸	۰/۰۹۴	-۰/۰۷۹	-۰/۰۸۲	۰/۰۳۲	۰/۲۱۹	۰/۰۴۹	۳/۱۱	۱۶/۱۶	دلبستگی ایمن
-۰/۰۲۰	۰/۲۰۳	-۰/۱۲۲	۰/۲۵۷	۰/۲۴۸	۰/۲۶۴	۰/۱۴۰	۰/۳۳۵	۳/۴۵	۱۳/۸۰	دلبستگی دوسوگرا

خلاصه‌ی نتایج تحلیل رگرسیون جهت پیش‌بینی یادگارخواهی براساس ابعاد نابهنجار شخصیت و

سبک‌های دل‌بستگی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲۳. رگرسیون جهت پیش‌بینی یادگارخواهی براساس ابعاد نابهنجار شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی

F	R	R ²	t	Beta	متغیر پیش‌بین
			-۴/۱۷۳	-۰/۲۳۵	ابعاد نابهنجار شخصیت
			۰/۴۶۲	۰/۰۳۱	عاطفه منفی
			-۰/۸۶۶	-۰/۰۵۶	گسلش
۴/۴۱۵	۰/۲۶۴	۰/۰۷	-۲/۵۲۷	-۰/۱۷۱	مخالفت‌ورزی
			-۱/۹۰۸	-۰/۱۲۷	مهار گسیختگی
			-۰/۱۰۷	۰/۰۰۸	روان‌پریشی خویی
					سبک‌های دل‌بستگی
			-۰/۸	-۰/۰۵۰	دل‌بستگی اجتنابی
۲/۵۸۱	۰/۱۶	۰/۰۲۵	۱/۲۴۳	۰/۰۷۶	دل‌بستگی ایمن
			-۱/۸۸۹	۰/۱۱۱	دل‌بستگی دوسوگرا
۳/۴۸۶	۰/۲۸۴	۰/۰۸۱	-۳/۶۴۶	-۰/۲۱۹	ابعاد نابهنجار شخصیت ^۰ دل‌بستگی دوسوگرا

مطابق مندرجات جدول، میزان F محاسبه شده تحلیل واریانس رگرسیون یادگارخواهی براساس ابعاد نابهنجار شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی در سطح ($p < ۰/۰۱$ و $F = ۳/۰۴۸$) معنادار بوده. و حاکی از این است که متغیر ابعاد نابهنجار شخصیت توانست حدود ۷ درصد از تغییرات مربوط به یادگارخواهی را تبیین کند. همچنین سبک‌های دل‌بستگی با توجه به معنادار بودن F حاکی از این است که در پیش‌بینی یادگارخواهی معنادار است و همچنین سهم و مجموعاً ۵/۵ درصد از تغییرات یادگارخواهی را تبیین می‌کند.

تعامل این دو متغیر با توجه به معنادار بودن F حاکی از این است که نقش تعاملی این دو در پیش‌بینی یادگارخواهی معنادار است و قدرت تبیین تغییرات متغیر ملاک به ۸/۱ درصد افزایش می‌یابد. همچنین ضرایب رگرسیون مربوط به پیش‌بینی سهم یگانه ابعاد نابهنجار شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی نشان می‌دهد که با توجه به ضرایب بتا و مقدار t، ابعاد نابهنجار شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی تاثیر معناداری به یادگارخواهی دارند که البته در بین سبک‌های دل‌بستگی تنها سبک دل‌بستگی دوسوگرا دارای رابطه معناداری می‌باشد. در بین ابعاد نابهنجار تنها ابعاد مخالفت‌ورزی و مهار گسیختگی قادر به

پیش‌بینی یادگارخواهی است و در بین سبک‌های دلبستگی تنها سبک دلبستگی دوسوگرا قادر به پیش‌بینی یادگارخواهی است.

با توجه به جدول ۳، رابطه بین ابعاد نابهنجار شخصیت با سبک‌های دلبستگی و یادگارخواهی معنی‌دار است. اما در رابطه بین سبک دلبستگی با یادگارخواهی تنها دلبستگی دوسوگرا معنی‌دار است و همچنین در حضور سبک‌های دلبستگی، ضریب بتا ابعاد نابهنجار شخصیت از ۰/۲۳۵ به ۰/۱۹۸ کاهش پیدا کرده است. این وضعیت حاکی از آن است که دلبستگی دوسوگرا نقش میانجیگری پاره‌ای را بین ابعاد نابهنجار شخصیت با یادگارخواهی ایفا می‌کند.

جدول ۳. تحلیل مسیر برای بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی

F	R ^۲	R	Sig	β	متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	مراحل
۱۱۰/۷۳	۰/۲۷۱	۰/۵۲۰	۰/۰۰۰	۰/۵۲		دلبستگی اجتنابی	۱
۳/۸۶۷	۰/۰۱۳	۰/۱۱۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۳	ابعاد نابهنجار شخصیت	دلبستگی ایمن	
۳۹/۶۱۹	۰/۱۱۷	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۳۴۳		دلبستگی دوسوگرا	
۱۷/۴۱۳	۰/۰۵۵	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۵	ابعاد نابهنجار شخصیت	یادگارخواهی	۲
۲/۵۸۱	۰/۰۲۵	۰/۰۹۷	۰/۰۹۴	-۰/۰۹۷	دلبستگی اجتنابی	یادگارخواهی	۳
		۰/۰۹۴	۰/۰۱۰۴	۰/۰۹۴	دلبستگی ایمن		
		۰/۱۲۲	۰/۰۳۴	-۰/۱۲۲	دلبستگی دوسوگرا		

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ابعاد نابهنجار و شخصیت با یادگارخواهی انجام گرفت. نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان داد بین دلبستگی دوسوگرا با یادگارخواهی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. کمترین ارتباط معنی‌دار به دست آمده بین یادگارخواهی و عاطفه منفی و بالاترین سطح همبستگی معنادار بین یادگارخواهی با مخالف‌ورزی و بین دلبستگی اجتنابی با گسلس اختصااص یافت. همچنین نتایج حاکی از آن است که در بین ابعاد نابهنجار شخصیت تنها ابعاد مخالف‌ورزی و مهار گسیختگی پیش‌بینی کننده یادگارخواهی است. این نتایج با نتایج پژوهش‌های وودورث، فریموث، هوتون و همکاران (۲۰۱۳)، مویلسو و کالهون (۲۰۱۲) و لودی اسمیت، شپارد و واگنر (۲۰۱۴) همسو است. نتایج آنها نشان داد که رفتار منحرف جنسی با صفات شخصیت ناهنجار اجتماعی ارتباط دارد. در این پژوهش نیز مخالف‌ورزی و مهار گسیختگی که

صفات شخصیت ضداجتماعی را پوشش می دهند، پیش بینی کننده یادگارخواهی است. در واقع می توان گفت این صفات ضد اجتماعی که با خصومت و بدبینی به دیگران و درجاذگی مشخص می شوند (استون، ۱۹۹۸) فرد را از برقراری روابط جنسی که از صمیمانه ترین روابط بین دو انسان است، باز می دارد و در نتیجه فرد را به سوی کسب لذت جنسی از سایر موارد از جمله اشیای غیرزنده می کشاند.

نتایج همچنین نشان دادند که در بین سبک های دلبستگی تنها سبک دلبستگی دوسوگرا قادر به پیش بینی یادگارخواهی است که با نتایج پژوهش های رستگار فرج زاده و محمدیان (رستگار، ۲۰۱۹)، جوئیال، کاستی و لاپیره (جویلان، ۲۰۱۵) و اسکوووران، هاس و اسکالورا (۲۰۱۰) همسوست. در واقع افراد دارای سبک دوسوگرا به دلیل اینکه در دوران کودکی روابط ناپایداری با مراقب خود داشته اند، احساس امنیت از روابط دریافت نکرده اند (وندروپوتین، ۲۰۱۷). آنها خود را نالایق برای برقراری رابطه می دانند و عزت نفس پایینی برای برقراری روابط صمیمانه دارند (شیمنتیتی و بیفیولکا، ۲۰۱۵) کودکان اضطرابی - دوسوگرا با افزایش تردید و دوسوگرایی بین دلبستگی و عصبانیت واکنش نشان می دهند (بشارت، قلی نژاد و احمدی، ۲۰۰۳) در نتیجه، انتظار می رود این افراد در بزرگسالی غالباً تمایلی به نزدیک شدن با دیگران نداشته باشند و نگران اند که طرف مقابلشان متقابلاً به احساسات آنها پاسخ ندهد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی دوسوگرا باعث می شود فرد به جای برقراری رابطه جنسی با جنس مخالف، به سمت برقراری رابطه با اشیای یا قسمت های نامعمول بدن معطوف گردد تا ترس از طرد شدن و احساس عدم امنیت را کاهش دهند.

و در آخر، یافته های این پژوهش نشان داد که دلبستگی دوسوگرا نقش میانجی را بین ابعاد ناهنجار شخصیت با یادگارخواهی ایفا می کند. در واقع دلبستگی دوسوگرا می تواند تأثیر نقش ابعاد ناهنجار شخصیتی را بر انحرافات جنسی از جمله یادگارخواهی تشدید کند. افراد دارای سبک دلبستگی نایمن در تنظیم هیجانها، رابطه با دیگران، همدلی، کنترل تکانه و خودآگاهی دچار مشکل هستند (قوزولان، ۲۰۰۶؛ گلین هادسون، ۲۰۰۹). کریدن (۲۰۰۴) معتقد است که توانمند شدن در این حوزه های مهارتی یک پیش نیاز مهم برای ایجاد رفتار جنسی بهنجار است و موانع برای رشد چنین مهارت هایی می تواند منجر به رفتار جنسی مشکلزا و منحرف شود. عوامل محیطی و ژنتیکی می تواند باعث ایجاد صفات شخصیتی ناهنجار در افراد شوند که باعث ایجاد آسیب شناسی روانی از جمله انحرافات جنسی شود (فینکلهر، ۱۹۹۰؛ رابند، ترومویتچ و باسرمن ۱۹۹۸). از سوی دیگر تجربه های اولیه منفی دلبستگی که با بی ثباتی در روابط مشخص می شوند و در آنها رابطه مادر-کودک رابطه ای قابل پیش بینی نیست که

در سبک دوسوگرا شاهد آن هستیم، می‌تواند در بزرگسالی توانایی فرد را برای برآوردن نیازهایش به طور مناسب از جمله نیاز جنسی محدود کند (ساولی و همکاران، ۲۰۰۱). بنابراین، سبک دلبستگی ناایمن با تشدید ناهنجاری‌های شخصیتی می‌تواند باعث شکل‌گیری و استمرار انحرافات جنسی از جمله یادگارخواهی شود. به طور خاص‌تر، افراد دلبسته دوسوگرا به دلیل تجربه روابط ناپایدار و منفی در دوران کودکی، راهبردهای غیرکارکردی و غیرواقع‌بینانه برای گزارش احساسات و افکار خود دارند که باعث انعطاف‌ناپذیری فرد هنگام بروز مشکلات می‌شود. که همین امر زمینه را برای تشدید آسیب روانی مهیا می‌کند (رستگار و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع تصور بر این است که بیمار، یادگارخواهی را به عنوان روشی برای سازگاری با اضطراب ناشی از روابط مختل با مادر و تهدیدات او در پیش گرفته است (رستگار و همکاران، ۲۰۱۹).

References:

- Abdi, R., Chalabianloo, GH., & Joorbonyan, A. (2017). Prediction of Alexithymia Based on Abnormal Personality Dimension. *Thought & Behavior in Clinical Psychology Journal*, 22(3):222-9. (Persian)
- American Psychiatric Association. (2013). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition (DSM-5TM). *American Psychiatric Publishing*. Washington, DC.
- Bartels, R.M., & Gannon TA. (2011). Understanding the sexual fantasies of sex offenders and their correlates. *Aggress Violent Behavior*, 16(6):551-61.
- Baughman, H. M., Jonason, P. K., Veselka, L., & Vernon, P. A. (2014). Four shades of sexual fantasies linked to the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 67:47-51.
- Besharat, MA. (2013). Adult Attachment Inventory: Questionnaire, Instruction and Scoring Key. *Journal of Developmental Psychology*, 9(35):317-20. (Persian)
- Besharat, MA, Golinejad, M., & Ahmadi, A. A. (2003). An Investigation of the Relationship between Attachment Styles and Interpersonal Problems. *Thought & Behavior in Clinical Psychology Journal*, 8(4):74-81. (Persian)
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basic Books.
- Burk, L. R., & Burkhart, B. R. (2003). Disorganized attachment as a diathesis for sexual deviance: Developmental experience and the motivation for sexual offending. *Aggression and Violent Behavior*, 8(5):487-511.
- Cooke, D. J., Hart, S. D., Logan, C., & Michie, C. (2012). Explicating the Construct of Psychopathy: Development and Validation of a Conceptual Model, the Comprehensive Assessment of Psychopathic Personality (CAPP). *International Journal of Forensic Mental Health*, 11(4):242-52.
- Cozolino, L. (2006). *The neuroscience of human relationships: Attachment and the developing social brain*. - PsyNET. New York, NY, US: Norton & Co.
- Creeden, K. (2004). The Neurodevelopmental Impact of Early Trauma and Insecure Attachment: Re-Thinking Our Understanding and Treatment of Sexual Behavior Problems. *Sexual Addiction & Compulsivity*, 11(4):223-47.
- Finkelhor, D. (1990). Early and long-term effects of child sexual abuse: An update. *Professional Psychology Research and Practice*, 21(5):325-30.
- Glyn, HA. (2009). *Sex and Sexuality*. Chichester: John Wiley and Sons Ltd.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3):511-24.
- Joyal, C. C., Cossette, A., & Lapierre, V. (2015). What Exactly Is an Unusual Sexual Fantasy? *The Journal of Sexual Medicine*, 12(2):328-40.
- Krueger, R. F., Derringer, J., Markon, K. E., Watson, D., & Skodol, A. E. (2012). Initial construction of a maladaptive personality trait model and inventory for DSM-5. *Psychological Medicine*, 42(9):1879-90.
- Lodi-Smith, J., Shepard, K., & Wagner S. (2014). Personality and sexually deviant behavior. *Personality and Individual*, 70:39-44.
- Meloy, R. (1992). *The psychopathic mind : origins, dynamics, and treatment*. New York, NY, US: J. Aronson.

- Mouilso, E. R., & Calhoun, K. S. (2012). Narcissism, psychopathy and Five-Factor Model in sexual assault perpetration. *Personal Mental Health*, 6(3):228–41.
- Purcell, C., & Arrigo, B. (2006). The psychology of lust murder: Paraphilia, sexual killing, and serial homicide. *San Diego: academic press*.
- Rastgar, L., & Mohammadian, A. (2019). The Role of the Mediator of Attachment Styles in the Relationship between Personality Traits and Fetishism. *The Shefaye Khatam Neuroscience Journal*, 7(2):44–55. (Persian)
- Rind, B., Tromovitch, P., & Bauserman, R. (1998). A meta-analytic examination of assumed properties of child sexual abuse using college samples. *Psychological Bullying*, 124(1):22–53.
- Sawle, G. A., & KC, J. (2001). Adult Attachment Style and Pedophilia: A Developmental Perspective. *International Journal of Offender Therapy Comparative Criminology*, 45(1):32–50.
- Schimmenti, A., & Bifulco, A. (2015). Linking lack of care in childhood to anxiety disorders in emerging adulthood: the role of attachment styles. *Child and Adolescent Mental Health*, 20(1):41–8.
- Schimmenti, A., Passanisi, A., & Caretti, V. (2014). Interpersonal and Affective Traits of Psychopathy in Child Sexual Abusers: Evidence from a Pilot Study Sample of Italian Offenders. *Journal of Child Sexual Abuse*, 23(7):853–60.
- Schimmenti, A., Passanisi, A., Pace, U., Manzella, S., Di Carlo, G., & Caretti, V. (2014). The Relationship Between Attachment and Psychopathy: A Study with a Sample of Violent Offenders. *Current Psychology*, 33(3):256–70.
- Skovran, L. C., Huss, M. T., & Scalora, M. J. (2010). Sexual fantasies and sensation seeking among psychopathic sexual offenders. *Psychology, Crime & Law*, 16(7):617–29.
- Stein, A., Craske, M. G., & Lehtonen, A. (2012). Harvey A, Savage-McGlynn E, Davies B, et al. Maternal cognitions and mother–infant interaction in postnatal depression and generalized anxiety disorder. *Journal of Abnormal Psychology*, 121(4):795–809.
- Stone, M. H. (1998). The personalities of murderers: The importance of psychopathy and sadism. In: A. E. Skodol, editor. *Psychopathology and violent crime: Review of psychiatry series*. Washington, DC, USA: *American Psychiatric Association*.
- Van Der Putten, T. G. (2017). *The relation between psychopathic traits and intimate attachment styles*. Tilburg.
- Watts, A. L., Nagel, M. G., Latzman, R. D., & Lilienfeld, S. O. (2019). Personality Disorder Features and Paraphilic Interests Among Undergraduates: Differential Relations and Potential Antecedents. *Journal of Personality Disorders*, 33(1):22–48.
- Woodworth, M., Freimuth, T., Hutton, E. L., Carpenter, T., Agar, A. D., & Logan, M. (2013). High-risk sexual offenders: An examination of sexual fantasy, sexual paraphilia, psychopathy, and offence characteristics. *International Journal of Law and Psychiatry*, 36(2):144–56.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 14 (No. 54), pp.7-16, 2020

The Mediational Role of Attachment Styles in the Relationship between Abnormal Personality dimensions and Fetishism

Reyhani, M

Clinical Psychology Department. Tabriz Islamic Azad University. Tabriz. Iran.

Abdi, R

Psychology Department. Azarbaijan Shahid Madani University. Tabriz. Iran
(Corresponding Author)

Received: 2019/09/03

Accepted: 2019/12/20

Paraphilia can be explained with lack of attachment an emotional bonding to others that have role in development of abnormal personality traits. The aim of this research was to examine the mediator role of attachment styles in the relationship between Abnormal Personality dimensions and fetishism. For this reason, in a descriptive and correlational research design 300 subjects among in Tabriz city men up to 18 years old was selected by available sampling method from and then assessed through Adult Attachment Inventory (AAI), personality inventory for DSM-5-Brief form (PID-5-BF) and the Multidimensional Inventory of Development, Sex, and Aggression (MIDSA). The results of multiple regression analyses revealed that ambivalent attachment style, antagonism and disinhibition can predict fetishism significantly and positively. Also, the results of path analysis showed that ambivalent attachment styles act as mediators of the abnormal dimensions of personality and fetishism. It seems, ambivalent attachment style originated from childhood experiences and unstable and maladaptive relationship with primary caregivers, that can affect correlation between abnormal personality dimensions that formed by many factors and fetishism which is type of paraphilia.

Key words: Attachment; Abnormal Personality dimensions; Fetishism.

Electronic mail may be sent to: . r.abdi@Azaruniv.ac.ir